

موضوع: فقه
زیر شاخه: شیعه و جمع مال

پاسخ به
پرسشی فقهی

حدّ مال اندوزی شیعه...؟
امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:
«مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَاباً»

بسم الله الرحمن الرحيم
حضور محترم حضرت آية الله شيخ حيدر تربتی كربلائی (مدّ ظلّه)
سلام عليكم لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:
۱- فرمایش گهربار مولا امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهما السّلام در

حکمت ۱۱۲ نهج البلاغة: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَاباً . هرکس ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید برای پذیرفتن فقر، لباس سر تا سر آماده کند» به چه معناست؟^۱

۲- آیا شیعه اجازه دارد پول دار و غنی باشد؟ با وجود اینکه شیعیان بسیاری در فقر و تنگ‌دستی و گرفتاری هستند، مشکلاتی که مستلزم مفاسد و گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های بسیار است، آیا با مرام تشیع سازگاری دارد که افراد غنی و دارا نسبت به این‌ها بی‌توجه باشند؟ یا شخصی میلیاردی باشد و بگوید "من فقط خمس و زکاتم را می‌پردازم" این کفایت می‌کند؟ اصفهان جمعی از ارادتمندان به حضرت عالی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين
و لعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين
و السلام عليكم و على جميع المسلمين أنفسهم
لآل محمد صلوات الله عليهم

ج۱- این حدیث شریف در کتاب‌های بسیار ارزشمندی مانند کتاب شریف بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصقار رحمه الله . که از اصحاب برجسته امام حسن زکی عسکری علیه السلام است . و کتاب شریف الاختصاص شیخ بزرگوار مفید قدس سره آمده است که به سند خود از سعد خفاف از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود:

«بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمًا جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَ أَصْحَابُهُ حَوْلَهُ فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِهِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي أَدِينُهُ بِحَيْثُ فِي السِّرِّ كَمَا أَدِينُهُ بِحَيْثُ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ أَتَوَلَّكَ فِي السِّرِّ كَمَا أَتَوَلَّكَ فِي الْعَلَانِيَةِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَدَقْتَ، أَمَا فَاتَّخِذْ لِلْفَقْرِ جَلْبَاباً، فَإِنَّ الْفَقْرَ أَسْرَعُ إِلَى شِيعَتِنَا مِنَ السَّيْلِ إِلَى قَرَارِ الْوَادِي. قَالَ: فَوَلَّى الرَّجُلُ وَ هُوَ يَبْكِي فَرَحاً لِقَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (صَدَقْتَ) ...»^۳

یکی از روزها امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد نشسته بود و یاران ایشان گرد حضرت اجتماع کرده بودند، در این هنگام یکی از شیعیان آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، خدا می‌داند که من به محبت و دوستی شما، در نهان ملتزم به دین خدا هستم همان‌گونه که آشکارا به محبت و دوستی شما، به دین خدا ملتزم هستم و در نهان دوستی و پیروی از شما را پیشه نموده‌ام چنان‌که آشکارا چنین‌ام. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفتی، حال (که چنین است) برای فقر لباس سرتاسری تهیه کن زیرا سریع‌تر از سرازیر شدن سیل به سمت دره، فقر به سوی شیعیان ما سرازیر است.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

آن مرد در حالی که به خاطر فرمایش آن حضرت (که به او فرموده بودند: راست گفتی) از شوق می‌گریست، رفت.

در فرمایش حضرت آمده است: «جلباب»، نفرومودند مقنعه یا پیراهن یا جوراب و کلاه، «جلباب» یعنی لباس و چادر سرتاسری. جلباب ازار و رداء است که به تن می پوشند. می فرمایند: کسی که ما اهل بیت را دوست دارد، باید برای فقر آماده شود، لباس سرتاسری فقر برای خویش مهیا کند.

محدث جلیل حسین بن سعید اهوازی در کتاب شریف «المؤمن» از اصبع بن نباته نقل می کند که گفت: نزد امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم که مردی آمد و گفت: ای امیرمؤمنان، به خدا سوگند، من شما را به خاطر خدا دوست می دارم. مولا فرمود:

«صَدَقْتُ، إِنَّ طَيِّبَتَنَا مَخْرُوتَةً أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا مِنْ صُلْبِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَّخَذَ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا، فَأَتَيْتَنِي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْفَقْرَ لَأَسْرَعُ إِلَيَّ مُجِيبًا مِنَ السَّيْلِ إِلَى بَطْنِ الْوَادِي»

راست گفتم، همانا سرشت ما گنجینه ای است که خداوند پیمان (پای بندی به) آن را از پشت آدم علیه السلام گرفت. پس برای فقر جامه ای فراگیر بگیر، زیرا به راستی که از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شنیدم، می فرمود: به خدا سوگند، ای علی! همانا مستمندی نسبت به دوستان ما شتابان تر است از (سرازیر شدن) سیلاب به ته درّه.

در کتاب شریف بصائر الدرجات و الاختصاص به سند خودشان از اصبع بن نباته نقل می کنند که در ضمن حدیثی گفت: ... سپس دیگری برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! من با ولایت تو، پیرو دین خدا هستم و تو را در پنهان چنان دوست می دارم که در آشکارا دوستت دارم. مولا علیه السلام فرمود:

«صَدَقْتُ، طَيِّبَتُكَ مِنْ تِلْكَ الطَّيِّبَةِ وَ عَلَى وَلايَتِنَا أُتِّخَذَ مِيثَاقُكَ وَ إِنَّ رُوحَكَ مِنْ أَزْوَاجِ الْمُؤْمِنِينَ فَاتَّخَذَ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا قَوْماً الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ الْفَقْرَ إِلَيَّ مُجِيبًا أَسْرَعُ مِنَ السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى الْوَادِي إِلَى أَسْفَلِهِ»

راست می گویی، سرشت تو از آن سرشت (ویژه و پاکیزه) است و بر (پذیرش و پای بندی به) ولایت ما از تو پیمان گرفته شده و همانا روح تو از ارواح مؤمنین است. در نتیجه برای فقر تن پوش سرتاسری تهیه نما زیرا سوگند به آن کس که جانم در دست اوست، همانا از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سلم شنیدم می فرمود: به درستی که فقر نسبت به دوست داران ما (اهل بیت)، سریع تر است از سیلان سیلی که از بالای دره به پایین آن سرازیر می شود.

در کتاب شریف «الاختصاص» به سند صحیح خود از اصبع بن نباته نقل می کند که گفت: همراه با امیرالمؤمنین علیه السلام بودم که مردی نزد ایشان شرفیاب شد... سپس مرد دیگری خدمت حضرت رسید و گفت: یا امیرالمؤمنین! همانا شما را در پنهان چنان دوست می دارم که آشکارا. اصبع گوید: حضرت برای بار دوم با چوبی که در دست داشت بر زمین زد، سپس سر مبارک را بلند نموده و فرمود:

«صَدَقْتُ، إِنَّ طَيِّبَتَنَا طَيِّبَةٌ مَخْرُوتَةٌ، أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا مِنْ صُلْبِ آدَمَ، فَلَمْ يَشِدَّ

مِنْهَا شَاذٌ، وَ لَا يَدْخُلُ فِيهَا دَاخِلٌ مِنْ غَيْرِهَا، إِذْهَبْ فَاتَّخِذْ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ اللَّهُ لِلْفَقْرِ أَسْرَعُ إِلَى مُجِيبِنَا مِنَ السَّيْلِ إِلَى بَطْنِ الْوَادِي»^۶

راست گفتی، همانا سرشت ما سرشتی مخزون (چونان گنج نگهداری و پنهان شده) است که خداوند پیمان آن را از پشت آدم گرفت، از آن هیچ خارج نشود و از غیر آن هیچ بدان داخل نگردد. برو و برای فقر و تهی‌دستی تن‌پوشی سرتاسری برگیر زیرا که به راستی شنیدم رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: ای علی بن ابی‌طالب، به خدا سوگند همانا فقر به دوستان ما شتابان‌تر است از سرازیر شدن سیلاب به درّه.

شیخ بزرگوار طوسی قدس سرّه در کتاب الأمالی خود به سندش از ابن نباته نقل می‌کند که گفت: نزد امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم، شخصی آمد و به آقا عرض کرد: من شما را دوست می‌دارم و... حضرت فرمودند: دروغ می‌گویی. دومی آمد گفت: به خدا سوگند ای امیرمؤمنان، راستی در دل دوستت دارم چنان‌چه در آشکارا. راوی می‌گوید: حضرت علی علیه السلام چوبی که در دست داشتند، مدت طولانی به زمین کوبیده، وانگه سر برداشتند و فرمودند:

«صَدَقْتُ، إِنَّ طَيِّبَتَنَا طَيِّبَةٌ مَرْحُومَةٌ، أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا يَوْمَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ، فَلَا يَشَذُّ مِنْهَا شَاذٌ، وَ لَا يَدْخُلُ فِيهَا دَاخِلٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَمَا إِنَّهُ فَاتَّخِذْ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: الْفَاقَةُ إِلَى مُجِيبِكَ أَسْرَعُ مِنَ السَّيْلِ الْمُتَحَدِّرِ مِنْ أَعْلَى الْوَادِي إِلَى أَسْفَلِهِ»^۷

راست گفتی، سرشت ما سرشتی مورد رحمت قرار گرفته است که خدا پیمانش را در روز پیمان ستاندن گرفت، بنابراین تا روز قیامت از آن هیچ بیرون نشود و بدان هیچ درنیاید (یعنی کسانی که در عالم ذر، در میثاق ولایت وارد شدند و با اهل بیت همراه شدند، در دنیا هم با ایشان هستند، کسانی هم که نبودند، به این‌ها اضافه نمی‌شوند)، هلا که برای تهی‌دستی، تن‌پوشی سرتاسری برگیر که به راستی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می‌فرمود: (ای علی) نداری به دوستان تو شتابان‌تر است از سیلاب سرازیر شده از فراز وادی به سوی فرودش.

از آنجا که توان‌گری از اعمال دنیاست، شیعه اهل‌بیت، دوست‌دار مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام، باید زهد پیشه کند و از دنیا دوری نماید، به کم بهره‌ای شکبیا باشد زیرا دوستی دنیا و دوستی اهل‌بیت با یکدیگر جمع نمی‌شود. در حدیث تکان دهنده دیگری که شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام و کتاب الخصال نقل کرده، به سندش از محمد بن اسماعیل بن بزيع آمده است: شنیدم حضرت رضا علیه السلام می‌فرمود:

«لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ، وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ، وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ»^۸

مال، جز به پنج ویژگی، جمع نمی‌شود: با بخل شدید، و آرزوی دراز و حرص چیره و قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت.

ج ۲- در برخی احادیث، اهل بیت از شیوهی بسیار جالبی برای بیان مقصود خود استفاده فرموده‌اند بدین ترتیب که با بیان یک کار نادرست، انجام دهنده آن را از خود و شیعه خود نمی‌دانند و از جمله، درباره امور اقتصادی و جمع مال است. در دیدگاه اهل بیت علیهم السّلام مال‌اندوزی و جمع مال، بدون انفاق و دست‌گیری از مردم و خدمت به دین، ناپسند است تا حدی که می‌فرمایند از شیعیان ما نیست کسی که...

مفضل گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود:

«الْمَالُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ، وَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عِشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ، وَ صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ»

«مال» ۴ هزار (درهم) است، و ۱۲ هزار درهم گنج به حساب می‌آید. و ۲۰ هزار درهم از حلال جمع نمی‌شود. و دارنده ۳۰ هزار درهم هلاک می‌گردد. و از شیعیان ما نیست کسی که مالک ۱۰۰ هزار درهم شود.

«مال، ۴ هزار درهم است»، یعنی کسی که این مقدار داشته باشد، او را صاحب مال می‌گویند. اگر کسی ۱۲ هزار درهم دارد، گنج دارد. ۱۰ هزار درهم، در حال حاضر معادل چند میلیون تومان است؟ سپس می‌فرمایند: ۲۰ هزار درهم از حلال جمع نمی‌شود. کسی که ۳۰ هزار درهم دارد هلاک شده، جهنمی شده است. کسی که ۱۰۰ هزار درهم دارد اصلاً شیعه اهل‌بیت نیست. می‌فرمایند کسی که این قدر پول دارد، اصلاً ما او را به عنوان شیعه قبول نداریم، بیدار باشیم. امام معصوم علیه السّلام تصریح می‌کنند کسی که این قدر پول دارد شیعه ما نیست. ۱۰۰ هزار درهم چقدر می‌شود؟ ببینید معادل چقدر است؟

هر درهم برابر با ۲/۴ گرم نقره خالص و مساوی ۰/۷ یک مثقال است و هر مثقال ۱۸ نخود است بنابر این یک درهم برابر است با ۱۲/۶ نخود نقره. و هر ۱۰۰۰ درهم می‌شود ۷۰۰ مثقال نقره.

درهم اسلامی سکه نقره ای مساوی ۶ دانق است.

ادرهم شرعی = ۲/۴۰ گرم نقره خالص.

یک درهم = ۵۲ حبه.

یک درهم = یک دوّم مثقال شرعی است = ۲/۵۲ گرم خالص نقره است.

دینار = ۷۲ حبه.

۱ دینار = ۸ نخود.

برخی گفته اند: ادینار شرعی = حدود ۲۲ نخود طلای سکه دار.

حدیث دیگری که بسیار تکان دهنده است، در کتاب ارزشمند «مستطرفات السّرائر» از کتاب ابان بن تغلب. شاگرد امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السّلام. به سند صحیح از شخصی به نام عطیة اخی ابی‌الغرام آورده، می‌گوید: از امام باقر علیه السّلام شنیدم فرمودند:

«إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَ لَا نُؤْتَاهَا وَ هُوَ خَيْرٌ لَنَا. وَ مَا أَتْنُوْتِي عَبْدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ لِحَظِهِ فِي الْآخِرَةِ. وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَهُ مِائَةُ أَلْفٍ، وَ لَا خَمْسُونَ

أَلْفًا، وَ لَا أَرْبَعُونَ أَلْفًا، وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَقُولَ ثَلَاثُونَ أَلْفًا لَقُلْتُ. وَ مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ مِنْ جِلِّهَا. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: مِنْ دَرَاهِمٍ»

همانا ما اهل بیت، دنیا را دوست می‌داریم و به ما داده نمی‌شود و این برای ما بهتر است. و هرکس بهره‌ای (هرچند اندک) از دنیا ببرد، جز این نیست که از بهره‌اش در آخرت کم می‌شود، کسی که ۱۰۰ هزار، نه، ۵۰ هزار، نه، بلکه ۴۰ هزار درهم دارد از شیعیان ما نیست؛ و اگر بخواهم بگویم، ۳۰ هزار درهم، می‌گویم. و هرگز کسی ۱۰ هزار درهم از حلال نمی‌تواند گرد آورد. ابوالحسن علیه السلام فرمودند: مقصود از تعداد، درهم می‌باشد (مقصود حضرت درهم نقره است، نه دینار).

شیعه و مخالفین نقل کرده‌اند که شخصی مقروض و گرفتار بود، گدا نبود، وقتی به مسجد آمد و به همه رو زد، ابن عباس به او گفت: به خانه حسین بن علی علیهما السلام برو. او آمد و اشعاری خواند که هرچه داشتم فروختم، فقط آبرو دارم که برای آن جز شما مشتری دیگری سراغ ندارم. حضرت داخل منزل تشریف بردند و فرمودند: قنبر (که غلام مولا بود)، از درآمد باغ‌های ما چه مقدار باقی مانده است؟ گفت: این چند هزار درهم. کیسه را به حضرت داد. حضرت آوردند و از پشت در آن هزار درهم و دو (پیراهن) برد را از تن خود در آوردند و به او دادند و با اشعاری به او جواب فرمودند:

«خُذْهَا فَإِنِّي إِلَيْكَ مُعْتَذِرٌ...»

بگیر، من عذر می‌خواهم که بیش از این نبود و آبرویت نیز برای خودت باشد که مشتری آن خداست.

او شروع به گریه کرد. حضرت فرمودند: کم بود؟ شرمندهام بیش از این نداشتم. عرض کرد: نه، من با این پول، قرض‌هایم ادا می‌شود هیچ، خود و خانواده و عشیره‌ام همه غنی می‌شویم. غصّه من از این است که این دست‌های کریم، چطور زیر خاک می‌رود. امام حسین علیه السلام چنین است. مال داشتند اما مالی که توقف نمی‌کرد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«كَيْفَ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»

چرا زکات؟ چرا خمس؟ چرا انفاق؟ برای اینکه مال، فقط در دست یک عده و گروه خاص دست به دست نشود، تا خوی سلطه‌گری در انسان‌ها ملکه نشود. البته آن چه به قدر کفاف است، مشکلی ندارد لکن پولی که جمع کرده، ثروتی که نیازی به آن ندارد، نان خور ندارد، عائله ندارد، چرا این پول را جمع کرده است؟ نباید عده خاصی باشند که پول فقط در دست آنها باشد. ثروت باید در چرخه کار و میان نیازمندان تقسیم شود.

انفاق، زکات مال است. زکات یعنی پاک شدن و خالص شدن، مال به این وسیله تطهیر می‌شود. همچنین یکی دیگر از معانی زکات نمو و رشد است. وقتی انفاق کنید، مال با سلامت رشد می‌کند به دور از هر آفت. قرآن کریم می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي

كُلِّ سُنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»^۳
 مَثَلِ كَسَانِي كِه دَارَايِي هَاي خويش را در راه خدا انفاق مي كنند مانند دانه اي
 است كه هفت خوشه از آن مي رويد كه در هر خوشه اي، صد دانه است، و
 خداوند براي هر آن كس كه بخواهد، دوچندان مي سازد.
 همچنين مي فرمايد:

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»^۴ كيست كه
 به خداوند وامی نيكو دهد كه خداوند برای او بسيار دوچندان سازد.
 فرمود: اگر بخواهم بگويم كسي كه ۳۰ هزار درهم دارد او هم شيعه نيست،
 مي گويم. سپس فرمودند: هرگز هيچ مردی ۱۰ هزار درهم از پول حلال جمع نكرده
 است. يعني يك جايي مشكل دارد. كلام معصوم، حق محض است.
 در تفسير مجمع البيان حديث شريشنيقي را از رسول الله صلى الله عليه و آله و
 سلم نقل مي كند كه حضرت فرمودند:

«إِنَّ لِكُلِّ بِنَاءٍ بَيْنِي وَبَالٍ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِلَّا مَا لَا بُدَّ مِنْهُ»^۵
 هر بنایي كه ساخته شود، برای صاحب خود در روز قیامت وبالی خواهد بود
 مگر ساختمانی كه مورد نیاز است.
 امام صادق عليه السلام فرمودند:

«كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ يَكْفَاكِ فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۶
 هر بنایي كه بيش از كفاف و بسنده باشد، در روز قیامت، برای صاحبش وبال
 خواهد شد.

مولای موحدان امير مؤمنان علی عليه السلام فرمودند:
 «الْمَالُ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَدَّمَ مِنْهُ»^۷
 مال بر صاحبش وبال (سختی) است مگر آن مالی كه پيش فرستاده است
 (يعنی قبل از مُردن، انفاق نموده باشد).

وبال، يعني چه؟ يعني سنگيني كه به گردن است، يعني سختی، گرفتاری كه در
 برزخ و آخرت صاحبش را گرفتار می كند. اگر بيشتر از كفاف و شأن باشد، وبال
 است.

در کافی شريف آمده است: معاذ بن كثير گوید: از امام صادق عليه السلام شنيدم
 فرمودند:

«مَوْسَعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ
 عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ، فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ
 عَزَّوَجَلَّ: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^{۸۹}
^{۱۱}

شيعیان ما در وسعت هستند و می توانند در کارهای خیر، در راه صحيح خرج
 کنند، انفاق کنند اما هنگامی كه قائم ما عجل الله فرجه الشریف قیام كند
 همه گنج ها به صاحبان آنها حرام است، آنها بايد گنج ها را بیاورند و در اختيار او
 بگذارند تا دشمنان خود را بدان منكوب كند و اين است معنی آیه شریفه: «وَالَّذِينَ
 يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ...» يعني و كسانی كه طلا و نقره را گنجينه (ذخيره)

می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنان را به مجازات دردناکی بشارت ده. و در تہذیب الأحکام آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مَوْسَعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتُوهُ بِهِ يَسْتَعِينُ بِهِ»

شیعیان ما در وسعت هستند و می‌توانند در کارهای خیر انفاق کنند اما هنگامی که قائم ما اهل بیت علیه السلام قیام کند، همه گنج‌ها را به صاحبان آنها حرام می‌کند، تا آنجا که گنج را برایش بیاورند و حضرت با آن مال بر انجام کارهایش یاری طلبد.

بنابر بیان قرآن کریم، یکی از ویژگی‌های پرهیزکاران، توجّه به محرومان و کسانی است که بر اثر فشارهای گوناگون، دست نیاز دراز می‌کنند، پرهیزکاران برای رفع نیاز نیازمندان، در مال خود سهمی تعیین می‌کنند:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ * آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ * كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»

امام حسین علیه السلام فرمودند:

«...وَ اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَحْزَرَ نِقْمًا...»

و بدانید بدرستی که نیازهای مردم به شما، از جمله نعمت‌های خداوند بر شماست، مبدا از نعمت‌ها ملول شوید که تبدیل به بلا خواهند شد.

اما با کمال تأسّف، برخی با هزاران توجیه و بهانه از پرداخت وجوهات شرعی نیز سر باز می‌زنند، در حالی که در حدیثی قوی آمده است: مردی از بازرگانان فارس و از پیروان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام به ایشان نامه‌ای نوشت و درباره خمس اجازه خواست (تا بخشیده شود)، حضرت در پاسخ او نوشتند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، ضَمِنَ عَلَى الْعَمَلِ الثَّوَابَ، وَ عَلَى الضَّيْقِ الْهَمَّ (عَلَى الْخِلَافِ الْعِقَابَ) ، لَا يَحِلُّ مَالٌ إِلَّا مِنْ وَجْهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ، وَ إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا، وَ عَلَى عِيَالَتِنَا، وَ عَلَى مَوَالِينَا، وَ مَا نَبْذُلُهُ وَ نَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ تَخَافُ سَطَوَتَهُ، فَلَا تَرْوُوهُ عَنَّا، وَ لَا تَحْرُمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاؤَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِصُ دُثُوبِكُمْ،^۱ وَ مَا تُمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ، وَ الْمُسْلِمُ مَنْ يَفِي لِلَّهِ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْهِ، وَ لَيْسَ الْمُسْلِمُ مَنْ أَجَابَ بِاللِّسَانِ وَ خَالَفَ بِالْقَلْبِ، وَ السَّلَامُ»

بسم الله الرحمن الرحيم، همانا خداوند گستراننده و بخشنده است. برای انجام کار (ی که مورد رضایتش باشد) پاداش و برای تنگ‌نظری (در این باره) غم و گرفتاری را ضمانت کرده است. هیچ مالی حلال نیست مگر از راهی که خداوند آن را حلال کرده است، و به راستی که خمس، یار ما برای دین و عیالات و دوستانمان است و آن چیزی است که می‌بخشیم و به وسیله آن آبرویمان را در برابر کسی است که از او بیم داریم، حفظ می‌کنیم. آن را از ما دریغ ندارید و خود را از دعای ما محروم نسازید تا جایی که بر آن توانا

هستید، زیرا پرداخت خمس، سبب گشایش روزی و مایه پاک شدن گناهان شما و ذخیره‌ای است که برای روز بی‌نواپی خود پسانداز می‌کنید. و مسلمان، فقط کسی است که برای خدا بدان‌چه با او پیمان بسته، وفا کند و مسلمان نیست کسی که به زبان پذیرا و به دل مخالف است. والسلام.

مطلب قابل توجه دیگر اینکه هرچند وجوهات شرعیّه دارایی خود را پرداخت کرده باشیم، مجاز نیستیم آن را به اسراف و اتلاف صرف کنیم و یا در راه غیر حق که اصطلاحاً به آن «تبذیر» گفته می‌شود. خرج نماییم، قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»

و حق خویشاوندان و تهیدست و از راه مانده را بپرداز، و در راه غیر حق خرج مکن * بی‌تردید تبذیر کنندگان، برادران شیاطین‌اند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار نافرمان است

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی علیه الرحمة آمده است: (تبذیر در آیه مذکور) یعنی مال خود را در غیر راه طاعت خداوند صرف نکن.

بنابراین شیعه و دوست‌دار اهل‌بیت نبوت صلوات الله علیهم اجمعین با کمال جدّیت، به کسب مال حلال می‌پردازد و برای بی‌نیاز نمودن خود و خانواده و ارحام و مؤمنین سعی می‌کند و نه تنها وجوهات شرعیّه خود را می‌پردازد و از مستمندان دست‌گیری می‌کند، بلکه حقّی در مال خود، برای سائل و محروم قرار داده و اسراف و تبذیر نمی‌کند.

در ادّعای شیعه بودن خود صادق باشیم، و تسلیم محض فرمایشات و دستورات امامان معصوم باشیم، با هر آنچه در اختیار داریم از مال و زبان و قدم و آبرو، برای رفع مشکلات مؤمنین تلاش کنیم و همواره درصدد جلب رضایت و محبت امام زمان علیه السلام باشیم. باید در عمل نشان دهیم که منتظر آن حضرت هستیم و غباری از قلب مطهرش برطرف نماییم.

شیعه ای که درباره اش فرموده اند:

«إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا»

از زیادت سرشت اهل بیت نبوت است و نشانه اش چنین است:

«...إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا، وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً، يَنْصُرُونَنَا، وَ يَفَرِّحُونَ لِفَرَحِنَا، وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا، وَ يَنْدُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا، أَوْلِيكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا...»

...همانا الله تبارك و تعالی بر زمین نظری (خاص) افکند و ما را برگزید، و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری کنند، و به شادی ما شاد باشند، و به خاطر اندوه ما اندوهگین گردند، و مال و جانشان را در راه ما ببخشند، آنان از ما هستند و به سوی ما آیند... .

باید ببینیم چه چیزی اهل بیت علیهم السلام را ناراحت می‌کند و سعی داشته باشیم تا آن غم را از قلب ایشان بزدااییم، و مشکلات مادی شیعیان و نیازهای غذایی، درمانی، ازدواج و مسکن آنان را با صرف مال خود رفع نماییم، و بدانیم

کسی که دلش برای امام زمانش می تپد، در دنیا مال اندوزی نمی کند، که مبدا به ما بفرمایند: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا» تو شیعه ما نیستی زیرا مال اندوزی می کنی. باید هر آنچه در توان داریم، برای هدایت ایتم آل محمد صلوات الله علیهم، در امر دین و نشر معارف اهل بیت هزینه کنیم. بخل، یکی از صفات ناپسندی است که تمامی ندارد. آرزوی مال اندوزی بیشتر که تنها، حرصی بی نتیجه است. اگر صله رحم کنیم و نیازهای مادی ارحام خویش را برطرف نماییم، مال جمع نمی شود تا اینکه آفت بزند.

مال اندوزی یعنی برگزیدن دنیا، دنیا را بر آخرت مقدم داشتن، چیره نمودن و سستی درایمان به معاد، بی تفاوت بودن نسبت به آخرت. در قلب کسی که مال اندوزی می کند در واقع ایمانی که او را وادار به انفاق کند، قرار نگرفته است. اینجا، سؤالی به ذهن می آید: یعنی نباید غنی و ثروتمند باشیم؟ حضرت ام المؤمنین خدیجه سلام الله علیها، ایشان یک نمونه است، مگر ایشان ثروتمند نبودند؟ بله ولی ایشان تمام دارایی خود را در اختیار پیغمبر گذاشتند، تا صرف مسلمانان نیازمند شود و در راه پیشرفت اسلام صرف شود. نمی گوئیم پولدار نشویم، بلکه شیعه موظف است از راه حلال کسب سرمایه نموده و خود را به لحاظ مادی تقویت کند، درآمد بیشتر کسب کند تا سربار جامعه نباشد و وابسته نباشد، همچنین از نیازمندان دستگیری نماید و خودکامه نباشد، مال غایت و هدف او نباشد، مال را یک جا جمع نکند و در حرکت و کار بیاندازد، تولید کار کند و در آبادانی شهر و دیار خود و نیازمندان به قدر کفاف صرف مال کند؛ و باید بداند و باور داشته باشد که این مال امانت است، همه چیز امانت و عاریت است، مالکیت ها اعتباری هستند، و بنا بر این است که چند روزی در اختیار ما باشد تا معلوم شود جوهره ما چیست.

اکنون که دشمنان دین اسلام، به هر وسیله ای، کفر و فحشاء را نشر می دهند، شیعه توانمند موظف است با انفاق در امر جوانان و مستمندان، فقر را رفع نماید، و برای جلب رضایت ولی نعمت خود، امام زمان ارواحنا فداه صرف کند، تا مصداق این آیه نباشد:

«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُوهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَبْضُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۲
 «آلیم»^۳

کسانی که طلا و نقره و پول جمع می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند، عذابی دردناک دارند.

در این نوشته برخی از احادیثی را آوردیم که به صراحت بیان می کند که شیعه نباید مال اندوزی کند مگر اینکه انفاق نموده، و به داد بیچارگان برسد، و او امانت داری بیش نیست، و ملکیت وی اعتباری است. لازم است به این آیات و احادیث با تدبیر نظری بیاندازیم، امید است مورد رضایت الله تعالی گردیم.

«... وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصَلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِخُجْرَتِهِمْ، وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ الْاجْتِنَابِ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ اٰمُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاةٍ، وَ هَبْ لَنَا رَافَقَةً وَ

رَحْمَتُهُ وَ دُعَاءُهُ وَ خَيْرُهُ، مَا تَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ قُوْرًا عِنْدَكَ... » «... وَ
 مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^٤

و صَلَّى الله على محمد و آله الأطهار و لعنة الله على أعدائهم أجمعين
 و السّلام عليكم و رحمة الله شهر ذي الحجة الحرام ١٤٣٨ اقم المقدّسة

عبد الزّهاء سلام الله عليها
 حيدر حسين التّربتي الكربلائي
 عفى الله عن والديه و عنه



١ - نهج البلاغة: ص ٤٨٨ حكمت ١١٢.

٢ - الاختصاص: جالساً.

٣ - بصائر الدرجات: ص ٣٩١ ب ٨ ح ٣. الإختصاص: ص ٣١٢.

٤ - كتاب المؤمن: ص ١٦٦ اح ٥، و در كتاب أعلام الدين: ص ٤٣٢ مرسلًا با اختلاف.

٥ - بصائر الدرجات: ص ٣٩٠ ب ٨ ح ١٠ او الإختصاص: ص ٣١٠ أحمد بن محمد بن خالد
 البرقي، از خلف بن حمّاد... مانند البصائر.

٦ - الإختصاص: ص ٣١١.

٧ - الأمالي شيخ طوسي: ص ٤٠٩ مجلس ١٤ اح ٩٢١ - ٦٩.

٨ - الأمالي شيخ طوسي: ص ٤٠٩ مجلس ١٤ اح ٩٢١ - ٦٩.

٩ - عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج ١ ص ٢٧٦ ب ٢٨ ح ١٣ و الخصال: ج ١ ص ٢٨٢ ح ٢٩.
 و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج ٢ ص ٢٩٤ و مشكاة الأنوار في غرر الأخبار:
 ص ٢٧١ فصل ٧ مانند آن است.

١٠ - تحف العقول: ص ٣٧٧. مانند آن: التّحصيل از مفضل بن عمرو از امام صادق
 عليه السّلام: ص ٥٠ ب ٥٨.

١١ - بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٦٦ ب ٩٥ ح ٢١ از مستطرفات السرائر: ص ٤١ ح ٩.

١٢ - بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ١٩٠ ب ٢٦: وَقَدْ أَعْرَابِيٌّ الْمَدِينَةَ فَسَالَ عَنْ أَكْرَمِ النَّاسِ بِهَا،
 فَذَلَّ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ فَوَجَدَهُ مُصَلِّيًا، فَوَقَفَ يَأْزِيهِ وَ أَنْشَأَ:

لَمْ يَخِبِ الْآنَ مَنْ رَجَاكَ وَ مَنْ * حَرَّكَ مِنْ دُونِ بَابِكَ الْحَلْقَةَ
 أَنْتَ جَوَادٌ وَ أَنْتَ مُعْتَمِدٌ * أَبُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلَ الْفَسَقَةِ

لَوْ لَا الَّذِي كَانَ مِنْ أَوَائِلِكُمْ * كَانَتْ عَلَيْنَا الْجَحِيمُ مُنْطَبِقَةً

قال: فَسَلَّمَ الْحُسَيْنُ وَ قَالَ: يَا قَنْبَرُ! هَلْ بَقِيَ مِنْ مَالِ الْحِجَازِ شَيْءٌ؟ قَالَ: نَعَمْ أَرْبَعَةُ
 آلَافٍ دِينَارٍ. فَقَالَ: هَاتِيهَا قَدْ جَاءَ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّي. ثُمَّ تَرَزَّعَ بُرْدِيَهُ وَ لَفَّ الدَّنَانِيرَ فِيهَا
 وَ أَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ شَقِّ الْبَابِ حَيَاءً مِنَ الْأَعْرَابِيِّ وَ أَنْشَأَ:

خُذْهَا فَإِنِّي إِلَيْكَ مُعْتَذِرٌ * وَ اعْلَمْ يَا بَنِي عَلِيٍّ دُو شَفَقَةِ

لَوْ كَانَ فِي سَيْرِنَا الْعِدَاةَ عَصَا * أُمْسَتْ سَمَانًا عَلَيَّكَ مُنْذَفِقَةً

لَكِنَّ رَبِّبَ الزَّمَانِ دُو غَيْرٍ * وَ الْكَفِّ مِنِّي قَلِيلَةُ النَّفَقَةِ

قال: فَأَخَذَهَا الْأَعْرَابِيُّ وَ بَكَى فَقَالَ لَهُ: لَعَلَّكَ اسْتَفْلَلْتَ مَا أَعْطَيْنَاكَ؟ قَالَ: لَا وَ لَكِنْ

كَيْفَ يَأْكُلُ التُّرَابُ جُودَكَ؟!!!.

یک مرد اعرابی وارد مدینه طیبه شد و از کریم‌ترین مردم جویا شد. امام حسین علیه السلام را به وی معرفی کردند. او داخل مسجد شد و دید که امام حسین مشغول نماز است. مقابل آن حضرت ایستاد و این اشعار را سرود:

کسی که الآن چشم امید به تو دارد و حلقه درب خانه تو را حرکت دهد نا امید نخواهد شد توئی که بخشنده و مورد اعتماد می باشی پدر تو قاتل افراد فاسق و نابکار بود

اگر مقام نبوت پدران و نیاکان شما نمی بود آتش دوزخ دچار ما می شد
راوی می گوید: امام حسین علیه السلام سلام کرد و به قنبر فرمود: آیا چیزی از مال حجاز باقی مانده؟ گفت: آری، مبلغ چهار هزار اشرفی باقی است. فرمود: آنها را بیاور! زیرا کسی که از ما بیشتر به آنها احتیاج دارد آمده است. سپس آن معدن جود و سخا برد (دو لباس یمنی خود) را از تن خویش خارج کرد و آن اشرفی‌ها را در میان آن پیچید و آن را به علت اینکه به نظر مبارکش اندک بود و بدین جهت که از اعرابی خجل می‌شد از شکاف در به آن اعرابی عطا کرد و این اشعار را خواند:

این اشرفی‌ها را بگیر و من به علت اینکه به تو مختصری عطا کردم پوزش می‌طلبم بدان که من نسبت به تو شفقت و مهربانی دارم

اگر حق ما را به ما می‌دادند باران بذل و بخشش از آسمان‌ها بر تو فرو می‌ریخت ولی چه باید کرد، حوادث روزگار وضع انسان را تغییر می‌دهند و فعلاً دست من خالی از پول است

راوی می گوید: اعرابی آن اشرفی‌ها را گرفت و شروع به گریه کرد. امام حسین به وی فرمود: آیا برای اینکه بخشش ما کم و اندک بود گریه می‌کنی؟ گفت: نه. بلکه برای این گریه می‌کنم که چگونه خاک شما را می‌ریاید و این گونه بذل و بخشش‌های شما را از بین می‌برد.

۱۳ - سوره (۲) آیه ۲۶۲.

۱۴ - سوره (۲) آیه ۲۴۶.

۱۵ - تفسیر مجمع البیان: ج ۷ ص ۳۴۳.

۱۶ - الکافی: ج ۶ ص ۵۳۱ ح ۷. و المحاسن: ج ۲ ص ۶۰۸ ب اح ۳ و مکارم الأخلاق: ص ۱۲۷.

۱۷ - غررالحکم: ص ۳۶۷ کلمه ۸۲۹۹.

۱۸ - سوره (۹) التوبة الآية ۳۴.

۱۹ - الکافی: ج ۴ ص ۶۱ ب النوادر ... ح ۴. تفسیرالعیاشی: ج ۲ ص ۸۷ ح ۵۴.

۲۰ - تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۴۳ اب ۳۹ ح ۲۴.

۲۱ - سوره (۵۱) الذاریات آیات ۱۶ الی ۲۰.

۲۲ - بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۱۲۱ اب ۲۰ ح ۴ از کشف الغمّة.

۲۳ - المقنعة و التهذیب و الإستبصار و العوالي.

۲۴ - الإستبصار: لَمْ يَجَلَّ.

۲۵ - الإستبصار: وَ مَا تَفُكُّ.

- ٢٦ - المقنعة: أَرْزَاقُكُمْ .
- ٢٧ - الكافي: ج ١ ص ٥٤٧ ح ٢٥٥ و المقنعة: ص ٢٨٣ ب ٣٨ و تهذيب الأحكام: ج ٤ ص ١٣٩ ب ٣٩ ح ١٧ و الإستبصار: ج ٢ ص ٥٩ ب ٣٢ ح ٩ و عوالي اللآلي: ج ٣ ص ١٢٦ ح ٦.
- ٢٨ - سورة (١٧) الإسراء: آيات ٢٧ و ٢٨.
- ٢٩ - البرهان في تفسير القرآن: ج ٣ ص ٥٢٤ از تفسير علي بن ابراهيم: ج ٢ ص ١٨.
- ٣٠ - إرشاد القلوب: ج ٢ ص ٤٢٣ و روضة الواعظين: ج ٢ ص ٢٩٦.
- ٣١ - الخصال: ج ٢ ص ٦١٠ ح ١٠- حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ عَبْدِ الْيَقْطِينِيٍّ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلَسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ر.ك. كَامِلُ الزِّيَارَاتِ: ص ١٠١ ب ٣٢ ح ٦ و عيون الحكم و المواعظ: ص ١٥٢ فصل ١٢ كلمه ٣٣٤٠ و غرر الحكم و درر الكلم: ص ٢٣٣ كلمه ١٧٨ و جامع الأخبار: ص ١٧٩ فصل ٤١.
- ٣٢ - سورة (٩) التوبة الآية ٣٤.
- ٣٣ - بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ١٠٨ ب ٧.
- ٣٤ - سورة (٢٤) النور آيه ٥٥ و سورة (٢٩) العنكبوت آيه ١٩.